

# دولت و انقلاب در ایران

۱۹۸۲ - ۱۹۶۲ م.  
[۱۳۴۱ - ۱۳۶۱ ش.]

حسین بشیریه  
برگردان. محمود رافع

ستور -

چاپ دوم - ۱۳۹۹

## فهرست

- ۷ ..... مقدمه‌ی مترجم
- ۹ ..... پیش‌گفتار
- ۱۱ ..... مقدمه چارچوب تحلیلی
- ۲۱ ..... فصل یکم / سیر تکاملی ساحار دولت
- ۶۲ ..... فصل دوم / نظام کهن حکومت پادشاهی
- ۱۰۷ ..... فصل سوم / طهور ایدنولوژی انقلابی، بحدید حیات ملی گرابی اسلامی
- ۱۵۵ ..... فصل چهارم / بحران اقتصادی و بحران دیکتاتوری
- ۲۰۷ ..... فصل پنجم / طلوع انقلاب
- ۲۳۱ ..... فصل ششم / تلاش برای نارساری دولت
- ۳۱۱ ..... فصل هفتم / حاکمیت روحانیون سیادگرا
- ۳۳۵ ..... موخره / ترم‌دور
- ۳۴۳ ..... نتیجه‌گیری
- ۳۴۷ ..... پی‌نوشت‌ها و منابع / مقدمه چارچوب تحلیلی
- ۴۲۵ ..... واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
- ۴۲۹ ..... واژه‌نامه فارسی به انگلیسی

## مقدمه. چارچوب تحلیلی

انقلابی که در سال ۱۹۷۸ [ ۱۳۵۶ ش ] در ایران به راه افتاد و یک سال بعد، منجر به سرنگونی سلطنت پادشاهی و تاسیس نظام جمهوری اسلامی شد، یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های براء در تاریخ سیاسی ایران قرن بیستم است در این پژوهش، بر آنیم تا علل بروز انقلاب و مراحل که این انقلاب از سر گذراند را بررسی کنیم، و البته تمرکز اصلی مان معطوف به حبه‌های اجتماعی این رویداد است در همین راستا، در فصل آغاریں این کتاب، سیر تکاملی ساختار دولت در ایران، از ابتدای قرن بیستم تا تثبیت رژیم شاه در سال ۱۹۶۳ [ ۱۳۴۲ ] را تحلیل خواهیم نمود از این رو، انقلاب اسلامی سال‌های ۷-۵۶ را در نافت تاریخی طولانی‌تری بررسی می‌کم و ریشه‌های آن را در مبارعات سیاسی انقلاب مشروطه (۱۹۱۱-۱۹۰۵ میلادی [ ۱۲۹۰-۱۲۸۴ ش ]) می‌جویم موضوع فصل دوم، ماهیت رژیم سلطنتی تا قبل از انقلاب است که این ماهیت

را بر حسب بیان‌های قدرت و ثبات رژیم مذکور در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۸ [۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ ش] بررسی می‌کند. این بیان‌های قدرت، عمدتاً عبارت بودند از ثروت حاصل از درآمدهای نفتی، ثبات اقتصادی، همکاری و هم‌گامی دولت با طبقه‌ی فرادست جامعه، سرکوب‌گری، و پشتیبانی سیاسی ایالات متحده از شاه از همین روست که فروپاشی همین بیان‌های قدرت، نهایتاً به فروپاشی رژیم شاه انجامید. در فصل‌های ۳ و ۴ و ۵ می‌کوشیم تا علل اصلی انقلاب را واکاوی و تبیین کنیم بدین منظور، به مفهومی متوسل می‌شویم که عوامل مختلفی را یک‌جا پوشش می‌دهد، در حالی که هر یک از عوامل مذکور، به تنهایی از کفایت لازم برای تبیین انقلاب برخوردار نیستند. عوامل مذکور از این قرارند: سسط و توسعه‌ی یک ایدئولوژی انقلابی که کمابیش از یک دهه قبل از انقلاب، جامعه‌ای بهتر را به تصویر می‌کشید، بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۸ [۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ ش] که خود محرک به نارضاایتی‌ها و اعتراض‌های فراوان در مقیاسی گسترده گردید، بروز تصادهایی فاحش بین مافع دولت و طبقه‌ی فرادست و بورژوا؛ قطع حمایت‌های خارجی‌ای که از رژیم شاه می‌شد، بسیج انقلابی توده‌ی مردم از طریق شبکه‌ای از سازمان‌های بسیج‌کننده‌ی مردم، و ایجاد ائتلاف سیاسی بین نیروهای مختلفی که وجه مشترک‌شان مخالفت با نظام سلطنتی بود از این رو، انقلاب را به مثابه‌ی یک نقطه‌ی اتصال می‌دانم و در این نقطه، تناقضات درونی دولت (بظیر مبارزه با طبقه‌ی

فرادست جامعه و اصم‌حلال ارتش) و فشارهای انقلابی بیرونی (بظیر تحركات سیاسی و ائتلاف‌های سیاسی) را ریر دره‌بین قرار خواهم داد.

اهمیت این مفهوم انقلاب، یعنی به مثابه‌ی رویدادی عمدتاً سیاسی هنگامی آشکار می‌شود که آن را با نظریه‌های مدرن صد سیاسی انقلاب مقایسه کنیم که توجه ما را از ماهیت موقعیت‌های انقلابی به سوی دیگر می‌کشاند. نظریه‌های مدرن انقلاب را می‌توان در دو گروه اصلی حای داد. نظریه‌های روان‌شناختی، و نظریه‌های جامعه‌شناسی کارکردگرا در راستای همین طبقه‌بندی، از یک سو دیویس، تد گور، شوارتر و هانتینگتون به مفاهیم روان‌شناختی‌ای چون «محرومیت بسی» و «افرایش انتظارات» متوسل می‌شوند تا انقلاب‌ها را تبیین کنند [۱]؛ و از سوی دیگر، اسملسر، حانسون و هاگوپیان، برای تبیین انقلاب‌ها به سراع جامعه‌شناسی کارکردگرا می‌روند [۲]. نظریه‌های روان‌شناختی، عمدتاً خود را محدود به این پرسش می‌کند که «اعتراضات چگونه شکل می‌گیرند» و در پاسخ به پرسش مذکور، فرص‌شان این است که هر نارضاایتی و اعتراضی پس از ایجاد، به طور خودکار تبدیل به کش جمعی، خشونت، و انقلاب می‌شود اما این نظریه‌ها از دو ضعف جدی ریح می‌برند. اولاً نظریه‌های مذکور فرص‌شان این است که بین حالت فرصی حشم و فوران حشوت، رابطه‌ای خودکار وجود دارد ثانیاً برایشان ندیهی است که حشوت مترادف با انقلاب است از این رو، این واقعیت بیادین را

## فصل یکم

### سیر تکاملی ساختار دولت

در این فصل برآیند تا نا تحلیل ساختار دولتی که در سال ۱۹۷۹ [۱۳۵۷ ش] در ایران سرنگون شد، تغییرات تاریخی ساختار حکومت‌داری<sup>۱</sup> و جامعه‌ی ایران از ابتدای قرن بیستم به این سو را بررسی نموده و حاستگاه‌های حدیدتر دولت، پیش از انقلاب را واکاوی کنیم

#### فروپاشی مطلق‌گرایی<sup>۲</sup>

در حلال بیمه‌ی دوم قرن نوردهم، که به «عصر امپریالیسم»<sup>۳</sup> معروف است، جامعه‌ی ایران دستحوش تغییراتی نیادین شد که همین تغییرات، به گسست بررگی در تاریخ ایران انجامید پیامد همین تغییرات، تاریخ سیاسی ایران از آن دوره تا کون را شکل داده است

تا پیش از دوران مذکور، دولت سنتی در ایران، متنی بر

---

1 Polity

2 Absolutisom

3 Age of Imperialism

ساختار قدرت مطلق‌گرایانه بود در این ساختار، شاهان ار اقتدار<sup>۱</sup> برتر و بی‌چون و چرایی برخوردار بودند در این دوران قدرت مطلقه، اگر مانعی بر سر راه قدرت بود، دربار سلطنتی، تمام جامعه را در ید اختیار خود داشت، و در زمانی که این قدرت مطلقه، اندکی ضعیف‌تر بود، دربار، تمام قدرت‌های رقیب در درون جامعه را حثا و اصلاح می‌کرد ساختار اقتدار در این دوران، موروثی<sup>۲</sup> بود و تمام احکام و ارحام شاه، به‌مثابه‌ی موهباتی الهی دانسته می‌شد [۱] این مطلق‌گرایی سیاسی، نه عدم وجود مالکیت خصوصی و وجود مالکیت اشتراکی - دولتی<sup>۳</sup> تکیه داشت [۲] قدرت استبدادی ایران، در واقع موط به ارار تولید، یعنی زمین بود، و در نتیجه، در مطلق‌گرایی ایران (برحلاف فئودالیسم عربی)، هیچ اشرافیت زمین‌داری نبود که موروثی و پایدار باشد [۳] در این سیستم، زمین‌داری<sup>۴</sup> روالی بوروکراتیک بود و حاکم، طیول‌ها را به دیگران اعطا می‌کرد اما این اعطای مالکیت، ماهیتاً موقتی بود زیرا هیچ پیمان و قراردادی بین حاکم و طیول‌دار به امضا نمی‌رسید [۴] از سوی دیگر، آشوب‌های سیاسی (یعنی در سطح داخلی، سردهای قلبیه‌ای، و در سطح خارجی، دفع مهاجمان) که ویژگی نادر تاریخ ایران‌اند نیز در این بی‌ثباتی اجتماعی ایفای نقش می‌کردند افرون بر زمین‌داری بوروکراتیک، مطلق‌گرایی به معنای دحالت دولت در تحارت و ناررگانی نیز هست

1 Authority  
2 Patrimonial  
3 State communal property  
4 Land holding

اجم‌های صعی که اصالتاً ار نالا تحمیل می‌شدند، در واقع محرایی برای مدیریت ناررها به شمار می‌رفتند و خود، ریردست و تابع دولت مطلقه بودند [۵]

تصویری که ار مطلق‌گرایی ترسیم کردیم، صرفاً نوع ایده‌آل تاریخ پیشامدرن ایران است واقعیت این است که حکومت‌داری ایرانی، در ادوار مختلف، بین استداد و فئودالیسم در نوسان بود، و این امر نویژه زمانی مشهود بود که بیگانگان به ایران هجوم می‌آوردند و زمین‌داری فئودالی در این سرزمین، ایجاد می‌شد و استقرار می‌یافت [۶] در این مسیر، پس ار سال‌های درار تهاجمات و ضعف‌ها، نالاحره در اولین سلسله‌ی شیعی ایران، صفویان (۱۵۰۱ تا ۱۷۲۲ م [۸۸۰ تا ۱۱۰۱ ش]) دولت استبدادی قدرتمندی تاسیس کردند که ار یک طرف توانست تیول‌داران را مهار و کنترل کند و ار سوی دیگر، کنترل نارار را در دست خود گرفت [۷] مع‌الوصف، عوامل داخلی و خارجی متعددی سب افول و اصمحلل تدریجی ساختار دولت استبدادی در سلسله‌ی بعدی، یعنی در دوره‌ی قاجار (۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ م [۱۱۰۱ تا ۱۳۰۴ ش]) گردید در حلال قرن نوزدهم میلادی، طبقات بوطهوری سربرآوردند که هر یک، مانع قدرت و ثروت مستقلی داشتند دولت در این دوره، نیاز به حرید سلاح و تجهیزات عربی پیدا کرد تا نتواند در برابر قدرت‌های رقیب ار خود دفاع کند همین امر سب شد تا فروش اراضی و پست‌های دولتی به صورت نظام‌مدی رواج یابد این روند، محر به افرایش چشمگیر